

تولید فضاهای همگانی معاشرت پذیر در محله؛ بافت میانی شهر تهران^۱

مصطفی بهزادفر^۴

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

عباس وریج کاظمی^۵

استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

علی غفاری^۲

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

فاطمه دوستی^۳

کلیدواژه‌گان: معاشرت‌پذیری، تولید فضا، مردم‌نگاری، تعامل اجتماعی، محله گیشا، بافت میانی.

چکیده

اهمیت فضاهای معاشرت‌پذیر تولیدشده از سوی مردم در برابر فضاهای از پیش طراحی و برنامه‌ریزی‌شده، نظیر پارک‌ها و کافه‌ها، در عرضه فرصت‌های جدید معاشرت و پاسخ‌دهی به مجموعه متنوعی از نیازهای مردم آشکار می‌شود. در این پژوهش کیفی، با استفاده از روش‌های مردم‌نگارانه، فضاهای معاشرت‌پذیر همگانی شناسایی و با نزدیکی بیشتر دانش جامعه‌شناسی شهری و طراحی شهری به توصیف کاراکترهای فیزیکی محیط مصنوع و حالات اجتماعی تسهیل‌کننده تعاملات اجتماعی در بستر زندگی روزمره مردم پرداخته شده است. با عنوان نمونه موردی پژوهش، خیابان اصلی محله گیشا، جایی که زندگی روزمره ساکنین با آن پیوند دارد، با قابلیت بستری برای گروه وسیعی از حالات و رفتارهای اجتماعی، مطالعه شده است. داده‌های پژوهش ابتدا با تکیه بر دستاوردهای مشاهده مستقیم، نقشه‌های رفتاری، مشاهده مشارکتی، و سپس با مصاحبه‌های عمیق گروهی شامل چهار گروه پنج‌نفره و ده مصاحبه فردی گردآوری شده است. تحلیل‌های توصیفی از دستاوردهای این

پژوهش، از شکل‌گیری فضاهای معاشرت‌پذیر در لبه‌ها، آستانه‌ها، و تجهیزات شهری در خیابان محله خبر می‌دهد و با عرضه ۵ مضمون اصلی، شامل در مرکز محله بودن، جستجو در محیط، راهبرد خلاقانه، تعلیق هنجاری، و لذت تعامل با دیگران، نحوه تولید این فضاها برای کشف و مناسب‌سازی از سوی مردم تفسیر می‌شود.

۱. مقدمه

سبک زندگی شهری و هویت اجتماعی انسان سبب تقویت انگیزه شهروندان به منظور جستجوی فضایی برای تعاملات اجتماعی، خارج از حریم خصوصی خانه و با افرادی غیر از اقوام و آشنایان، گشته است. قلمروهای همگانی شهری و خیابان به مثابه یکی از نمادهای اصلی آن مانند صحنه تئاتری برای اتفاقات و مراودات روزمره است. با اینکه بسیاری در دانش طراحی شهری سخن از نقش مهم تعاملات اجتماعی در ارتقای مفاهیمی ارزشمند چون همبستگی اجتماعی^۶ و سرمایه اجتماعی^۷ می‌گویند، هنوز عمق و معنای این

تاریخ دریافت: ۱۱ بهمن ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۳۰ خرداد ۱۳۹۷

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری طراحی شهری نگارنده دوم است که با عنوان تولید فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر؛ مطالعه تجربه مردم در خیابان اصلی محله با راهنمایی نگارنده اول و نگارنده سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در دست انجام است.

2. A-Ghaffari@sbu.ac.ir

(استاد ارجمند جناب آقای دکتر غفاری به افتخار سال‌ها خدمت در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در ۲۹ اسفندماه ۱۳۸۹ بازنشسته شده اند؛ فصلنامه صفا از ایشان قدردانی می‌کند.)

۳. دانشجوی دکتری طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی. نویسنده مسئول؛

F.dousti85@gmail.com

4. Behzadfar@iust.ac.ir

5. kazemi@iscs.ac.ir

6. social cohesion

7. social capital

پرسش‌های تحقیق

۱. فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر در محله گیشا کدامند؟
۲. فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر چگونه تولید می‌شوند؟
۳. ویژگی‌های فضایی و اجتماعی فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر کدامند؟

تعاملات و همچنین منظور از فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر شفاف نیست. بخش عظیمی از ادبیات موجود در دانش طراحی شهری مربوط به کیفیت‌های فضایی در فضاهای شهری معاشرت‌پذیر و راهکارهای خلق و پشتیبانی از این فضاها است؛ ولی چه اتفاقی برای فضاهای شهری فاقد این کیفیت‌ها می‌افتد؟ آیا مردم در برابر تصمیمات و طرح‌هایی که منجر به خلق فضاهای شهری موجود شده واکنشی نشان نداده و این فضاها به علت نبود بستر مناسب توجه همگانی را جلب نکرده‌اند؟ یا مردم خود، در پاسخ به نیازهایشان، نظم تحمیل‌شده و اصول و قوانین مدون را به چالش کشیده و در نهایت دست به تولید فضاها زده‌اند و یا با تغییر آن تجربه جدید و تعریفی متفاوت از فضاهای معاشرت‌پذیر می‌آفرینند. در پردازش مفهوم فضای اجتماعی و زندگی روزمره همواره به تولید فضا توسط جامعه و استفاده‌کنندگان آن تأکید شده است.^۹ کلان‌شهر تهران نیز همواره با چالش قلمروهای همگانی شهری روبه‌رو بوده است و در این خصوص نکته دیگری که در این پژوهش به آن توجه شده است، بستر مطالعات در خصوص این قلمروها است. مانند بسیاری از شهرهای دنیا، تهران نیز به دلیل تمرکز بالای مطالعات شهری بر روی بافت‌های ناکارآمد، توسعه‌های جدید شهری، میادین و خیابان‌های اصلی و نمادین شهری با کمبود مطالعات در بستر بافت میانی شهر^{۱۰}، در مقیاس محلی، به منزله بستر اتفاقات و تعاملات مردم عادی، مواجه است. طی نیم‌قرن اخیر، محلات شهری در بافت میانی با خیابان‌کشی‌های منظم ساختاریافته و فضاهای همگانی محلی، در بهترین حالت، محدود به ارقام استاندارد سرانه فضاهای سبز و تفریحی در محلات است. ضرورت افزایش مطالعات در زمینه بافت میانی، با در نظر گرفتن مقیاس قابل توجه کالبدی-جمعیتی آن و سیاست‌های اخیر توسعه تهران در مورد توقف گسترش سطحی شهر و روی آوردن به توسعه درونی با اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی، بیش از پیش آشکار شده است و در صورت نبود توجه کافی به آن می‌تواند رویه‌ای تأسف‌بار برای تبدیل شدن محلات به بافت‌های ناکارآمد شهری باشد. هدف نخست در این مقاله شناخت فضاهای معاشرت‌پذیر تولیدشده از سوی مردم در خیابان اصلی محله گیشا واقع در بافت میانی شهر تهران و دوم تعمق بیشتر در فهم مکانیسم‌های پیچیده اجتماعی بین مردم و فضا در ترکیب مفاهیم جامعه‌شناسی خرد و کاراکترهای فضایی پشتیبان معاشرت‌پذیری، برای شناخت تجربه افراد در تولید فضاهای همگانی

8. L. P. Knox, "Creating Ordinary Places: Slow Cities in a Fast World", p. 8.

۹. اطلس تهران، ذیل «بافت میانی شهر». بافت میانی شهر تهران حد فاصل توسعه جدید شهر و هسته قدیمی و تاریخی آن محسوب می‌شود. محلاتی نظیر یوسف‌آباد، امیرآباد، و گیشا در غرب و نارمک و امام حسین در شرق نمونه‌های عیان این رشد هستند.

۱۰. نک:

G. Simmel, "The Metropolis and Mental Life".

۱۱. نک:

L. Wirth, "Urbanism as a Way of Life".

۱۲. نک:

G. Varna & S. Tiesdell: "Assessing the Publicness of Public Space: The Star Model of Publicness".

۱۳. نک:

 R. Shields, *Places on the Margin: Alternative Geographies of Modernity*.
 14. M. Carmona, "Re-Theorising Contemporary Public Space: a New Narrative and a New Normative".
 15. in-between

۱۶. نک:

 M. Bobic, *Between the Edges: Street-building Transition as Urbanity Interface*.

۱۷. نک:

 A. Matan & P. Newman, *People Cities: The Life and Legacy of Jan Gehl*.
 18. Stationary Social Behavior

۱۹. نک:

 V. Mehta, *The Street: A Quintessential Social Public Space*.

۲۰. نک:

C. Mausner, "Book Review: The Street: A Quintessential Social Public Space".

همگانی در حال شل و منعطف شدن است. اخیراً نیز برخی از پژوهشگران با مطالعه در زمینه موقعیت فضایی و اجتماعی قلمروهای همگانی و تفسیر مناقشات میان فضاهای همگانی و خصوصی، از وجود مداخلات اجتماعی و فضایی در لبه‌ها و مرزهای بلوک‌های شهری و فضای همگانی خبر می‌دهند.^{۱۶}

نحوه استفاده مردم از فضاهای همگانی: معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی از میزان وقوع معاشرت و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری قابل تشخیص است. مطالعات بسیاری با استفاده از نظریات روان‌شناسان محیطی درباره استفاده و رفتار اجتماعی مردم در فضاهای همگانی در حوزه طراحی شهری انجام شده است. به طور مثال گل^{۱۷} در توصیف ابعاد انسانی شهر و به دنبال کشف الگوهای رفتاری به مطالعه و ثبت رفتار مردم در فضاهای همگانی پرداخته و رابطه میان فضای همگانی و زندگی اجتماعی را با دسته‌بندی رفتارهای التزامی، اختیاری، و اجتماعی به تصویر کشیده است. اخیراً نیز مهتا با استفاده از «مفهوم قرارگاه رفتاری» به بررسی خیابان محله به منزله قرارگاهی برای رفتارهای ایستا^{۱۸} و اجتماعی مردم پرداخته است.^{۱۹} ماسنر در نقدی پدیدارشناسانه با تأکید بر ارزش دستاوردهای پژوهش مذکور، به لزوم توجه عمیق‌تر به معنای تعامل اجتماعی اشاره می‌کند و استفاده از رویکردی کیفی را برای بررسی مسئله پیشنهاد می‌دهد.^{۲۰} با در نظر گرفتن دستاوردهای مهم این دیدگاه، انتقاد ویکر از مفهوم سنتی قرارگاه‌های رفتاری^{۲۱} قابل تأمل است، نگرش جدید وی از این مفهوم ضمن تأیید روش‌های مشاهده‌ای، آن را برای فهم چگونگی سازوکار فضاهای همگانی کافی نمی‌داند و توجه را به سمت اهمیت تجربه افرادی که در این فضا حضور دارند و استفاده از روش‌های کیفی مناسب آن جلب می‌کند.^{۲۲} لینچ^{۲۳} از اولین کسانی بود که با معرفی ساختار تجربه شهری، به توصیف اجزای فضایی شهر پرداخته و با توجه به ویژگی‌های بصری بر مبنای تجربه مردم در مقام پیش‌گام در این زمینه به دستاوردهای جدیدی در خصوص ادراک مردم

معاشرت‌پذیر است. به بیان دیگر هدف این پژوهش یافتن پاسخ به این سؤال‌ها است:

۱. فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر در محله گیشا کدامند؟
۲. فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر چگونه تولید می‌شوند؟
۳. ویژگی‌های فضایی و اجتماعی فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر کدامند؟

۲. مرور ادبیات پژوهش

۲.۱. زندگی اجتماعی در فضاهای همگانی

فضاهای همگانی معاصر: با آغاز قرن بیستم موج انتقادات در مورد زوال زندگی اجتماعی در فضاهای همگانی که منجر به افزایش تراکم و کاهش سرزندگی مطرح شده از سوی زیمل^۱ و ورث^{۱۱} مطرح شده و با شدت انتقادات در خصوص مصرفی شدن فضاهای شهری مدرن ادامه یافته است.^{۱۲} در مقابل در دوره معاصر نظرات خوشبینانه‌تری نسبت به فضاهای همگانی شکل گرفته است. در این نظریات بر پیدایش فضاهای نیمه‌همگانی و افزایش حق انتخاب اشاره شده و در ادبیات مربوط به فضاهای همگانی و خصوصی آن‌ها را با عنوان قلمرویی متفاوت طبقه‌بندی می‌کنند.^{۱۳} در برابر بخشی از نظریه‌پردازان ترکیب فضای همگانی و خصوصی را با عنوان فضاهای نیمه‌همگانی بی‌اعتبار می‌دانند، برخی دیگر، با این باور که این تغییرات موجب تعدد فضاهای معاشرت‌پذیر می‌شود، نیاز به تعریف دوباره‌ای از قلمروهای همگانی را مطرح می‌کنند که دارای شفافیت سابق نیستند.^{۱۴} مرور ادبیات در حوزه قلمرو همگانی بیانگر این واقعیت است که شفافیت مفهوم قلمروهای همگانی در حال اغتشاش است. در گذشته بخش قابل ملاحظه‌ای از زندگی اجتماعی در قلمروهای همگانی شفاف، یعنی جایی که خصوصی نیست، اتفاق می‌افتاد، ولی اکنون «فضاهای بینابینی»^{۱۵} با ماهیت غیر متعارف مورد استفاده و استقبال مردم هستند. مالکیت فضاهای همگانی و کنترل آن تغییر کرده و ساختار فضاهای اجتماعی

۲۱. نک: شمین گلرخ، قرارگاه رفتاری واحدی برای تحلیل محیط. ۲۲. نک:

Allan Wicker, "Perspectives on Behavior settings: With Illustration From Alison Ethnography of Japanese Hostess Club".

۲۳. نک:

K. Lynch, *The Image of the City*.

۲۴. نک:

Q. Stevens, "The Shape of Urban Experience: A Reevaluation of Lynch's five Elements".

25. Sensorial Experiences

26. Non-instrumental behaviors

معطوف به سودمندی شخصی و مشخصی نیست.

27. Thresholds

28. Props

29. oeuvre

30. appropriation

31. right to participation

32. Ibid, p. 174.

33. D. Harvey, *Rebel Cities: From the Right to the City to the Urban Revolution*, p. 4.

34. R. Milgram, "LUCIEN KROLL Design, difference, everyday life", p. 269-271.

35. representation of space

36. conceived space

37. space of representation

38. lived space

از فضاهای شهری همگانی رسیده است که شامل ۵ دسته فضایی، شامل راه، لبه، گره، نشانه، و حوزه می‌شود. در ادامه استیونس^{۲۴} نیز با به چالش کشیدن ابعاد لینچ، ادراک شهری را شامل «تجربیات احساسی»^{۲۵} می‌داند که دربرگیرنده «رفتارهای غیر ابزاری»^{۲۶} است و اجزای جدیدی را در ادامه اجزای پنج‌گانه لینچ، از جمله «آستانه‌ها»^{۲۷} و «تجهیزات شهری»^{۲۸}، معرفی و آن‌ها را اجزای فضایی اصلی در شکل‌گیری زندگی اجتماعی در فضاهای همگانی معاصر قلمداد می‌کند.

۲.۲. مفهوم فضاهای شهری در زندگی روزمره

نظریه‌پردازی در مورد پیوند مفهوم فضا با زندگی اجتماعی و زندگی روزمره از اواخر قرن بیستم آغاز شده و در اندیشه هنری لوفور به اوج پیچیدگی و دقت مفهومی رسیده است. او برای اولین بار مفهوم «حق به شهر» را حق تصاحب فضای شهری توسط ساکنین آن معرفی و در ادامه بر حق خلق^{۲۹}، مانند یک اثر هنری، حق اختصاص دادن فضاهای شهری به خود^{۳۰} (نه فقط استفاده از آن‌ها) و حق مشارکت^{۳۱} واقعی و فعال مردم در شهر تأکید می‌کند.^{۳۲} دیوید هاروی نیز با بسط مفهوم «حق به شهر» لوفور آن را یک پدیده جمعی و چیزی بیش از حق دسترسی به شهر و امکاناتش می‌داند و بر وجود «حق تغییر شهر» تأکید می‌کند.^{۳۳} قلمروهای همگانی به مثابه بستری برای رسیدن شهروندان به حق به شهر اهمیت دارد. میلگرام با تفسیر دیدگاه سه‌بخشی لوفور^{۳۴} در خصوص فضا، به منزله محصول و تولیدکننده فرایند اجتماعی آن را در حول سه مؤلفه ضروری تحلیل و تفسیر می‌کند:

– «بازنمود فضایی»^{۳۵} یا فضای تصور شده^{۳۶}: جایی که نه تنها شامل طرح‌ها و تصویرهایی است که طراحان شهری عرضه می‌کنند؛ بلکه شامل متریال و بیانیه‌های آن طرح‌ها درباره محیط مصنوع نیز می‌گردد. این فضاها از سوی سیاست‌گذاران، طراحان، و برنامه‌ریزان شهری بر جامعه شهری تحمیل شده

است.

– «فضای بازنمود»^{۳۷} یا فضای زیسته‌شده^{۳۸}: که توسط تولید کنندگان معنادگی می‌شود. فضاهای زیسته‌شده از نظر مریفیلد جایگاهی در برابر نه گفتن و پس زدن نیروهای نظم‌دهنده فضا است^{۳۹}، فضای زندگی روزمره و این فضا از مجرای استفاده‌کنندگان تجربه می‌شود و ملزم به فرمانبری از قواعد ثابت نیست و از نظر لوفور این فضا فضایی زنده است.^{۴۰}

– «کردار فضایی»^{۴۱} یا فضای ادراک‌شده^{۴۲}: به جریان‌های فیزیکی، کنش‌ها، و تعاملاتی اشاره دارد که پیرامون فضا رخ می‌دهد و تولید و بازتولید زندگی اجتماعی را تضمین می‌کند و شامل موقعیت‌های مکانی خاص، قرارگاه‌های فضایی، و حالات اجتماعی است^{۴۳}.

۲.۳. زندگی اجتماعی و مفهوم معاشرت در فضاهای همگانی

در مورد فهم ذات تعاملات در فضاهای انسانی، لوفلد با بسط نظریات جیکوبز^{۴۴}، گافمن^{۴۵}، و وایت^{۴۶} به تفسیر زندگی اجتماعی در فضاهای همگانی پرداخته است. ابتدا تعاملات و رفتارهای اجتماعی (رودرو) افراد، بخصوص غریبه‌ها، را در فضاهای شهری در پنج شاخه دسته‌بندی می‌کند: حرکت مسالمت‌آمیز^{۴۷}، بی‌اعتنایی مدنی^{۴۸}، اهمیت نقش مخاطب^{۴۹}، کمک‌های محدود^{۵۰}، نزاکت در برابر گوناگونی سلايق^{۵۱}. لوفلد به اهمیت تعاملات غیر کلامی و غیر بصری می‌پردازد و با وجود آنچه به طور معمول در ادبیات جامعه‌شناسی رواج دارد، مفاهیمی چون بی‌اعتنایی و دوری کردن را ابزارهایی برای تسهیل تعاملات اجتماعی معرفی می‌کند. او با انجام پژوهش‌های عمیقی در این زمینه به کشف حالات منجر به شکل‌گیری تعامل اجتماعی^{۵۲} در فضاهای همگانی اشاره می‌کند و با معرفی «انسان‌های معاشرتی»^{۵۳}، «مناطق باز محلی»^{۵۴} و بسط «مفهوم مثلث‌سازی»^{۵۵} وایت^{۵۶} و «مکان سوم»^{۵۷} اولدنبرگ^{۵۸} به بیان فرایند ایجاد فرصت تعامل و

۳. روش پژوهش

در این پژوهش توجه بسیاری به نقش زندگی اجتماعی روزمره در مطالعات طراحی شهری شده است. مطالعه در زمینه بعد انسانی فضاهای شهری وجه مشترک زیادی با روش‌های به‌کاررفته در سایر زمینه‌های علمی مانند انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و جغرافیا دارد. «مردم‌نگاری»^{۴۴} همواره یک روش سودمند در شناخت تجربه افراد در بستر زندگی روزمره و قلمروهای همگانی معرفی شده است^{۴۵}. با توجه به مسئله تحقیق و اهمیت معنای تعامل اجتماعی افراد در بستر فضایی خیابان تجاری محله، این روش به محقق فرصت پژوهش رفتار در بستر فضایی موجود را می‌دهد و همواره نقش پیونددهنده میان آنچه در مطالعات جامعه‌شناسی (کاراکتر فضایی) و تحقیقات طراحی شهری (معنای تعامل اجتماعی) از آن غفلت شده را دارد؛ زیرا مردم‌نگاری شهری روش مناسبی در شناخت تصورات و تجربه استفادکنندگان از فضای شهری در مقیاس‌های مختلف^{۴۶} است. از روش‌ها و ابزارهای مختلف گردآوری اطلاعات در مردم‌نگاری شهری، از جمله مشاهده مستقیم، نقشه‌های رفتاری، یادداشت‌های شخصی پژوهشگر (مشاهده مشارکتی پنهان)، و مصاحبه‌های عمیق فردی و گروهی، در این پژوهش استفاده شده است. گردآوری اطلاعات دارای دو مرحله اصلی است که هر مرحله خود از دو بخش تشکیل شده و مرحله اول مبنایی برای شکل‌گیری مرحله دوم است. این دو مرحله شامل مشاهده (نقشه‌برداری رفتاری + مشاهده مشارکتی) و مصاحبه (مصاحبه گروهی + مصاحبه فردی) است (ت ۲). در مرحله اول مشاهدات طی شش ماه (مرداد تا دی‌ماه سال ۱۳۹۵) و در ۳۷ روز به طور پراکنده در روزهای مختلف هفته و در ساعات حضور مردم در محله (ساعات ۸ الی ۲۳) انجام گرفته و با ثبت رفتار، شمارش تعداد، و مدت زمان حضور افراد در محدوده مشخصی از خیابان اصلی محله به پاسخ‌گویی سؤال‌هایی از قبیل کی، کجا، به چه مدت، و چه فعالیتی پرداخته شده است. لبه بوستان

گفتگو در فضاهای همگانی شهری می‌پردازد. وی، همچنین بر حسب دسته‌بندی میزان آشنایی افراد جامعه با یکدیگر، تعاملات اجتماعی میان آن‌ها را گونه‌بندی می‌کند و با تمرکز بیشتر بر افراد غریبه و کسانی که آشنایی کمتری با هم دارند، حالات ارتباطاتی میان افرادی که در فضاهای همگانی حضور دارند را به فعال و غیر فعال تقسیم کرده است (ت ۱). او با استفاده از ادبیات جدید به دسته‌بندی روابط اجتماعی پرداخته است^{۴۷} و آن را در سه دسته اصلی روابط زودگذر^{۴۸}، روابط عادی^{۴۹}، روابط شبه اصلی^{۵۰} معرفی می‌کند.^{۵۱}

۴.۲. جمع‌بندی

به منظور پژوهش در مورد فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر، در این مقاله مروری بر نظریات موجود درباره مفهوم زندگی جمعی در فضاهای همگانی و مطالعات تجربی در این مورد شده است. برای تعمق بیشتر در معاشرت‌پذیری و بررسی انواع تعاملات و روابط اجتماعی در فضاهای همگانی مفاهیم و نظریات موجود در جامعه‌شناسی خرد نیز مرور شده است. نظریات مرتبط با تولید فضا در زندگی همگانی و روزمره مردم نیز به منظور فهم پیوند میان فضا و زندگی روزمره گردآوری شده است. مرور این ادبیات به باز شدن ذهن پژوهشگر برای پاسخ به سؤالات پژوهش کمک کرده و سبب ایجاد حساسیت نظری شده است.

انواع روابط اجتماعی	انواع رفتار اجتماعی
روابط زودگذر روابط پیش‌آغاز روابط اتفاقی	تماشای مردم خلوت همگانی تعامل بصری
روابط ضروری روابط عادی	بی‌توجهی مدنی حرکت مسالمت‌آمیز تعامل کوتاه
روابط شبه اصلی	تعاملات بلندمدت تعاملات عاطفی

39. A. Merrifield, *Henri Lefebvre: A Critical Introduction*, p. 109.

40. H. Lefebvre, *the Production of Space*, p. 109.

41. spatial practice

42. perceived space

43. Ibid, p. 33.

۴۴. نک:

J. Jacobs, *The Death and Life of Great American Cities*.

۴۵. نک:

E. Goffman, *Behavior in Public Places: Notes on the Social Organization of Gatherings*.

۴۶. نک:

W.H. Whyte, *City*:

Rediscovering the Center.

47. Cooperative Motility

به معنای زمانی که مردم در فضای شهری بدون حادثه از کنار هم عبور می‌کنند.

48. Civil Inattention

به معنای حالتی که افراد بدون مداخله و درگیری و یا حتی صحبت با یکدیگر معاشرت دارند.

49. Audience Role

Prominence

ت ۱. دسته‌بندی روابط و رفتارهای اجتماعی، تدوین: فاطمه دوستی، برگرفته از:

Lofland, *The Public*

Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory.

→ به معنای اهمیت حاضرین در فضاهای همگانی در جایگاه مخاطب فعالیت‌هایی که در آن شکل می‌گیرد.

50. Restrained Helpfulness
به معنای کمک‌های کوچک و دم دستی از فیبل آدرس‌دهی، پرسش زمان، و... نه در حد کمک مالی.

51. Civility toward Diversity
برخورد‌های مدنی و مبادی آداب در برابر سلايق و ذائقه‌های متفاوت.

52. Ibid, p. 39.

53. open persons

54. open regions

55. triangulation

۵۶. نک:

Whyte, ibid.
57. third place

۵۸. نک:

R. Oldenburg, *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Bookstores, Bars, Hair Salons, and Other Hangouts at the Heart of a Community*.
59. Ibid, p. 59.

60. Fleeting Relationship
روابط زودگذر و یا اتفاقی مانند پرسش زمان.

61. Routinized Relationship
مانند روابط بین فروشنده و خریدار.

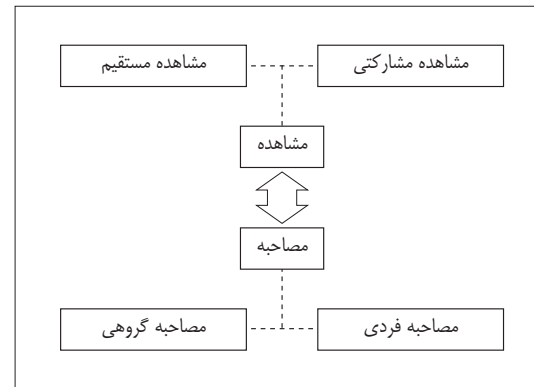
62. Quasi-primary Relationships

روابطی که منجر به تعاملات اجتماعی و عاطفی است.

۲. مراحل و روش‌های گردآوری داده‌ها، تدوین: فاطمه دوستی.

گفتگو در دو قسمت ورودی‌های اصلی و ۱۸ بلوک در پلان موجود از خیابان علامت‌گذاری شده؛ سپس مشاهده‌گر به مدت ۱۰ دقیقه در هر قسمت تعداد افرادی که دارای فعالیت‌های ایستا بودند را شمرده و موقعیت مکانی و فعالیت‌ها و مدت زمان آن‌ها را ثبت کرده است. لازم به ذکر است که فعالیت‌های ثبت‌شده، از جمله نشستن، ایستادن، انتظار کشیدن، تماشای ویتترین، تماشای مردم، صحبت کردن، خوردن و آشامیدن، و سیگار کشیدن برای تسهیل در ثبت کدگذاری شده و در پروتکل آماده‌شده ثبت گشته است. با ترکیبی از ترسیمات نما و پلان خیابان و کاربری‌های موجود آن، تعداد افراد و مدت زمان مکث آن‌ها در خیابان تحلیل شده است. در روش «مشاهده مشارکتی» مشاهده‌گر، با حضور در میان مردم و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی ایستا، به صحبت و گفتگوی غیر رسمی با افراد پرداخته و یا به مکالمات آن‌ها گوش داده است؛ سپس بی‌درنگ پس از ترک محل، اقدام به ثبت مشاهدات و تجربیات شخصی خود کرده است.

تعداد مشاهده‌نامه‌ها ۲۷ مورد بود که در روزهای مختلف به طور پراکنده گردآوری و با عنوان اسناد کمکی تحلیل شدند. در مرحله دوم، با استفاده از یافته‌های مشاهده مشارکتی، تعدادی از افراد به مصاحبه گروهی متمرکز^{۶۷} دعوت شدند. ۴ گروه ۵ نفری با



روش نمونه‌گیری از افراد مطلع تشکیل شد، این گروه‌ها با توجه به افراد حاضر در این فضاها انتخاب شدند و مشارکت‌کنندگان زنان و مردانی با بازه سنی ۱۵ الی ۷۵ سال بودند. با اینکه موضوع سؤالات در مصاحبه پیرامون کانون واحدی مطرح شدند، انعطاف‌پذیری در طرح سؤال یکی از ویژگی‌های اصلی این مصاحبه گروهی بود^{۶۸}. برای رسیدن به اشباع نظری و با در نظر گرفتن افرادی که مصاحبه با آن‌ها در روند پژوهش اهمیت داشت، ولی توانایی حضور در مصاحبه‌های گروهی را نداشتند، مصاحبه باز فردی انجام شد. تعداد ۱۰ مصاحبه فردی پیرامون مباحث اصلی در مصاحبه‌های گروهی انجام گرفت. تحلیل داده‌های گردآوری‌شده با مرور سطر به سطر متن مشاهده‌نامه‌ها و مصاحبه‌های تبدیل‌شده به متن در پی استخراج مفاهیم مورد نظر شکل گرفت. یادداشت‌های تحلیلی پژوهشگر ماده بر انگیزاننده برای نگارش تحلیل‌ها و افکار پژوهشگر بود که نقش اساسی در کشف رابطه میان این داده‌ها با مفاهیم مطرح‌شده، اهداف، و سؤالات پژوهش داشته و منجر به دسته‌بندی اولیه آن‌ها و استخراج مضامین فرعی و اصلی شده است.

۴. بستر پژوهش

محله گیشا (کوی نصر) واقع در بافت میانی شهر تهران در منطقه دو شهری و در تقاطع چهار بزرگراه اصلی است. محله طی ۵۰ سال گذشته توسعه یافته و بر اساس اصول شهرسازی مدرن و طرحی از پیش اندیشیده‌شده شکل گرفته است و از اولین محلات مجهز به زیرساخت‌های شهری در تهران به شمار می‌رود. از ویژگی‌های فضایی و اجتماعی این محله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– فضایی: بافت کالبدی منظم و چلیپایی با محوریت خیابان مرکزی استخوان‌بندی اصلی محله را تشکیل می‌دهد. خیابان اصلی محله دارای خرده‌فروشی‌ها برای رفع نیازهای روزمره، لبه فعال تجاری، اداری، خدماتی و مرکز خرید با نقش فرامحلی

در مجموع اکثر ساکنین محله تحصیل کرده و با درآمد متوسط هستند.

۵. تحدید بستر پژوهش: تولید نقشه‌های رفتاری

در این مقاله، به منظور شناسایی فضاهای معاشرت‌پذیر در سطح خیابان، ترکیبی از ترسیمات نما، پلان کاربری، به همراه شمارش تعداد افراد، مدت زمان مکث، و ثبت فعالیت‌های ایستا انجام گرفته است. میانگین تعداد افراد شمارش شده، مدت زمان مکث آن‌ها در هر بلوک با نرم‌افزار اکسل به دست آمده و در نقشه‌های رفتاری نشان داده شده است (ت ۴ و ۵). تفسیر نقشه‌های رفتاری و تحلیل مشاهده‌نامه‌ها منجر به معرفی فضاهایی شده که با اقبال بیشتری از طرف مردم مواجه هستند.

است که بر روی کانال آب در تقاطع با خیابان اصلی ساخته شده است. بوستان گفتگو با وسعت بیش از ۱۴۰۰۰۰ متر در بخش حاشیه شرقی محله در مرز بین محله و بزرگراه چمران و به علت وجود نمایشگاه‌های فصلی در روزهایی از سال میزبان بازدیدکنندگان از سایر مناطق شهر تهران است (ت ۳).
- اجتماعی: تغییرات کالبدی در بافت میانی شهرها، ساخت‌وسازهای جدید و افزایش قیمت مسکن در گیشا سبب افزایش تنوع اجتماعی در این محله شده است. بافت اجتماعی همگنی که از کارمندان وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف (در سال‌های نخستین توسعه محله) تشکیل شده بود، هم‌اکنون میزبان سایر اقشار با مشاغل مختلف است. وجود دانشگاه تربیت مدرس و تهران در نزدیکی محله، گیشا را به یکی از مقاصد دانشجویان برای سکونت، تفریح، و خرید تبدیل کرده است.

63. L. Lofland, *The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory*, p.28-33.

64. ethnography

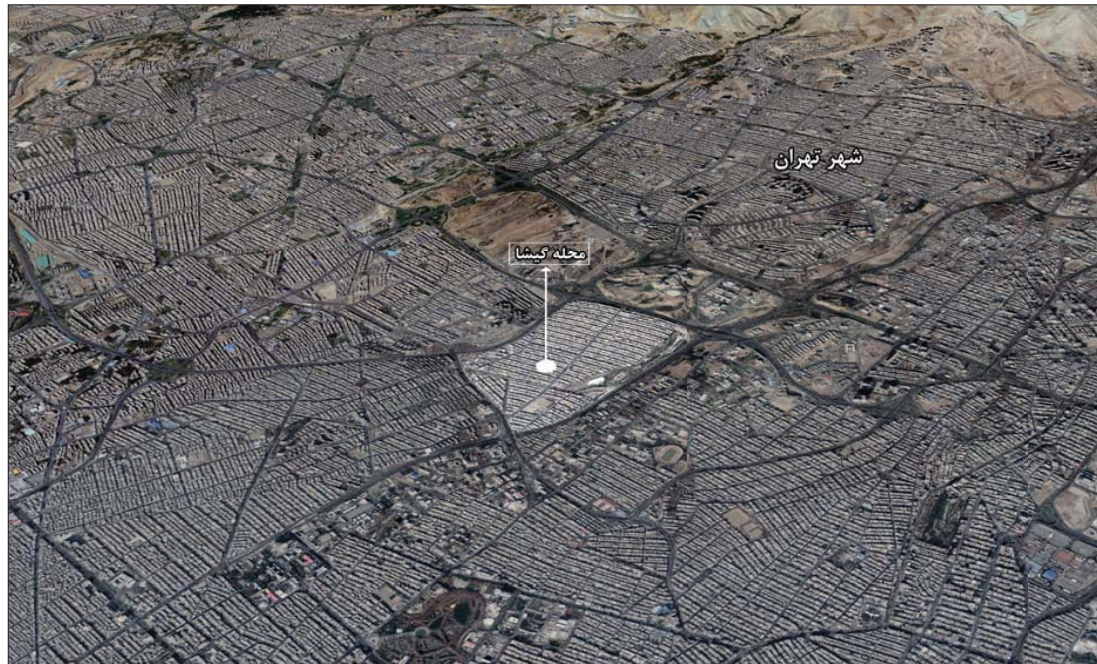
65. Setha Low. *Spatializing Culture: The Ethnography of Space and Place*, p. 22.

66. M. South worth, et al, "People in the Design of Urban Places", p. 461-465.

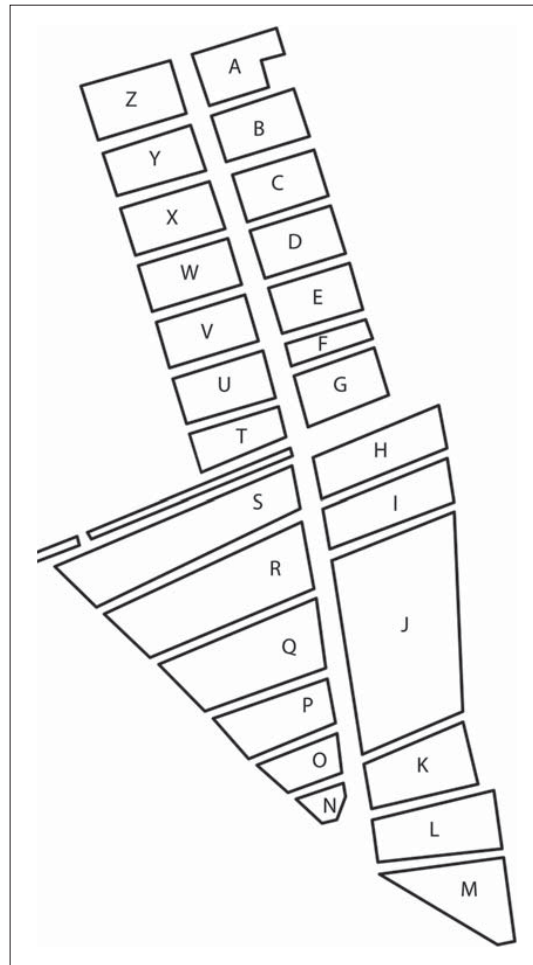
67. focus group

۶۸ عباس کاظمی، پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی، ج ۳، ص ۹۶.

ت ۳. موقعیت محله گیشا در شهر تهران، مأخذ: استخراج از گوگل ارث، توسط ف. دوستی در دی‌ماه ۱۳۹۶.



علی‌رغم وجود بوستان گفتگو در حاشیه شرقی به منزله یکی از بازنمودهای فضایی که از سوی طراحان با اهدافی مانند پاسخ به نیازهای فراغتی و اجتماعی طراحی شده و با در نظر گرفتن وسعت زمین، کاربری‌های مکمل و ویژگی‌های طراحی موجود، پیش‌بینی می‌شد اقبال تعداد بیشتری از ساکنین را در پی داشته باشد. مشاهدات حاکی از آن است که بیشتر مردم خیابان را



ت ۴. نام‌گذاری بلوک‌های خیابان اصلی محله، طرح: ف. دوستی.

برای بستر معاشرت خود انتخاب می‌کنند. خیابان اصلی محله گیشا جایی است که ترکیبی از ساکنین محلی و دیگران در آنجا گرد هم آمده و سبب شکل‌گیری فضاهای بازنمود شده‌اند. بیشترین رفتار ایستای ثبت‌شده در این فضاها مربوط به نشستن، صحبت کردن، خوردن و آشامیدن، و تماشای مردم است. فضاهای تولیدشده توسط مردم در سطح خیابان را می‌توان در سه دسته کلی دسته‌بندی کرد: آستانه‌ها، لبه‌ها، و تجهیزات شهری، این‌ها از آن دسته فضاهای هستند که مردم در آن به تولید و بازتولید فضاهای اجتماعی می‌پردازند:

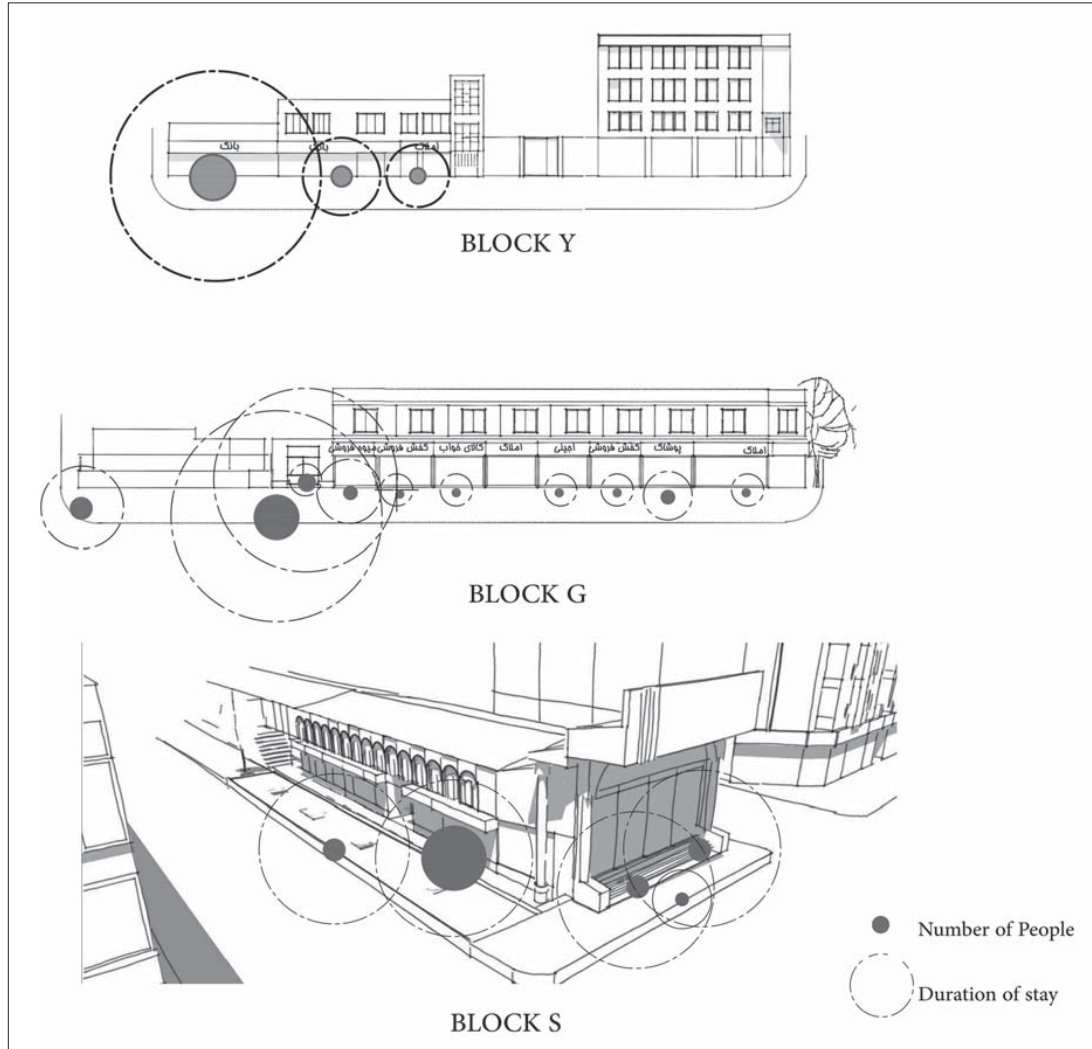
– آستانه‌ها: ورودی مراکز خرید، ادارات، و سایر ورودی‌ها فضایی هستند که همچون حد وسط میان فضاهای خصوصی یا نیمه‌خصوصی و فضاهای همگانی عمل می‌کند و پتانسیل بالایی از نظر حضور مردم و وقوع رفتارهای اجتماعی متنوع دارند. وجود اغذیه‌فروشی‌های متعدد در ورودی مرکز خرید محله را به فضایی متمایز تبدیل کرده و سبب استقبال بیشتر مردم از این فضا شده است.

– لبه‌ها: مرزهای طبیعی و یا مصنوعی هستند که نقش جداکننده و سازمان‌دهنده به فضاهای داخلی و بیرونی دارند. جداره‌های خیابان و کاربری‌های فعال آن یکی از محبوب‌ترین فضاها برای مردم هستند. جذابیت این فضاها سبب شده که در برخی از موارد کوچک‌ترین پیش‌آمدگی‌ها در جداره مورد استفاده مردم برای مکث و تعامل با یکدیگر باشد.

– تجهیزات شهری: به طور مشخص ایستگاه اتوبوس یکی از تجهیزات شهری و محلی برای مکث‌های کوتاه‌مدت و انتظار برای رسیدن اتوبوس است. با اینکه انتظار کشیدن در زمان کوتاه خود می‌تواند فرصتی برای تعامل زودگذر با دیگران باشد، نبود مبلمان شهری مناسب در خیابان گیشا آن را به فضایی برای معاشرت‌های طولانی‌تر و قرارگاهی برای گروه‌های تکرارشونده تبدیل کرده است.

در مرحله دوم برای فهم چگونگی تولید فضاهای معاشرت‌پذیر

از مصاحبه‌های گروهی و فردی استفاده شده است. با در نظر گرفتن یافته‌های مرحله اول که حاصل تحلیل نقشه‌های رفتاری و یادداشت‌های مشاهدات مشارکتی از سوی پژوهشگر است، قرارگاهی در سطح خیابان به منظور انجام پژوهشی عمیق‌تر و شکل‌گیری مصاحبه‌های گروهی و فردی انتخاب گردید. افراد گروه‌ها طی مشاهده مشارکتی و گفتگوهای اولیه و غیر رسمی انتخاب شدند و شرط اصلی انتخاب آن‌ها حضور و مشاهده رفتار اجتماعی در فضاها مشخص شده در مرحله اول پژوهش است.



ت ۵. نمونه نقشه برداری رفتاری در مشاهده مستقیم، طرح: ف. دوستی.

۶. یافته‌های پژوهش

۶.۱. مضمون‌های به دست آمده

داده‌های گردآوری شده در قرارگاه‌های منتخب (لبه خیابان، ایستگاه اتوبوس، ورودی مرکز خرید، و بانک) اشتراک زیادی در محتوای مضمون‌های اصلی دارند. این مضمون‌ها شامل در مرکز محله بودن، جستجو در محیط، راهبرد خلاقانه، تعلیق هنجاری، و لذت تعامل با دیگران هستند. هرکدام از این مضمون‌ها زیرمضمون‌هایی دارند که در برخی قرارگاه‌ها اهمیت آن‌ها بیشتر است. در حالت کلی هرکدام از این دسته‌ها بیانگر ویژگی‌های فضایی و اجتماعی در این قرارگاه‌ها هستند (ت ۶ تا ۱۰).

– **حس مرکز محله:** مردم با حضور در هرکدام از این قرارگاه‌ها حس حضور در بطن زندگی روزمره را دارند و آنجا را مرکز بسیاری از اتفاقات در زندگی عادی و روزمره خود می‌دانند. خیابان اصلی محله و پیاده‌روهای آن برای بسیاری مرکز فضایی و اجتماعی محله است و در تعریف کسانی که در خارج و داخل محله زندگی می‌کنند، خیابان مرکزی گیشا معرف اصلی محله است. از مضمون‌های فرعی این حس می‌توان به «قابلیت دسترسی» به این فضاها اشاره کرد. قرارگیری مکانی هرکدام از این قرارگاه‌ها در خیابان اصلی محله، به علت وجود مرکزیت فضایی، مسافت یکسانی برای بسیاری از ساکنین ایجاد کرده است:

کسانی که در قسمت شرقی خیابان زندگی می‌کنند دسترسی بیشتری به پارک دارند ولی بیشتر کوچه‌ها مسدود شده، ما باید

حس مرکز محله	در دسترس بودن	گسترده‌گی دید به اطراف
		قرارگیری مکانی
	هم‌جواری	دید به نشانه شهری
حمل‌ونقل همگانی		
حس امنیت	حضور دیگران	تنوع کاربری
		تسهیلات امنیتی

کلی راه برویم تا برسیم به ورودی پارک، ولی اینجا به همه ما نزدیک بوده و بعضی‌ها هم از بالای محله با استفاده از اتوبوس به مرکز محله می‌آیند.^{۶۹}

گسترده‌گی دید به اطراف و جریان زندگی روزمره مردم به علت عرض قابل قبول خیابان است. خیابان محله اصلی‌ترین کریدور دید به برج میلاد و نماد اصلی محله و شهر شناخته می‌شود. «هم‌جواری» با کاربری‌ها و فعالیت‌های متنوع موجود در جداره خیابان این قرارگاه‌ها را به یکی از مقاصد اصلی تأمین نیازهای ساکنین تبدیل کرده است. این قرارگاه‌ها به‌علت هم‌جواری با حمل‌ونقل همگانی و ارزان‌قیمت سبب تمایل حضور مردم از نقاط مختلف محله شده است:

در اینجا امکان ملاقات و دیدن دیگران بیشتر از سایر مکان‌های محله است. اگر کار خاصی در خیابان داشته باشیم انجام داده، سپس سری به اینجا زده و مدتی وقت می‌گذرانیم و در آخر بعد از خرید روزمره به خانه برمی‌گردیم.^{۷۰}

حس حضور در مرکز محله نسبت به سایر نقاط با «احساس امنیت» به دلیل جمعیت بیشتر و تسهیلات امنیتی موجود مرتبط است:

با دوستانم بیشتر جلوی مرکز خرید قرار می‌گذاریم، چون هم راحتی پیدا می‌شود و من هم اینجا حس بهتری دارم، چون کسی مزاحم من نمی‌شود، بخصوص شب‌ها که هوا تاریک جاده‌های دیگه دید کافی ندارم و می‌ترسم، ولی اینجا روشن و همیشه شلوغ است.^{۷۱}

– **جستجو در محیط:** دارای دو مضمون فرعی با ماهیت فضایی و اجتماعی است. «احساس آسایش»، که مربوط به آسایش

جستجو در محیط	احساس آسایش	جای نشستن- تکیه دادن
		آسایش اقلیمی خرد
	فرصتی برای معاشرت	انسان‌های معاشرتی
وجود عامل محرک		

۶۹. مصاحبه گروهی ۱- ایستگاه اتوبوس
 ۷۰. مصاحبه گروهی ۲- پله‌های بانک
 ۷۱. مصاحبه فردی- ورودی مرکز خرید

ت ۶ (راست). مضمون حس مرکز محله، تدوین: ف. دوستی.
 ت ۷ (چپ). مضمون جستجو در محیط، تدوین: ف. دوستی.

شده است، دارای تعلیق در تعریف و عملکرد هستند. این حالت با ویژگی‌های فضایی خاص در قرارگاه‌های مشخص شکل گرفته که شامل «انعطاف‌پذیری» در فرم و عملکرد و سازگاری با استفاده‌های مختلف است. این فضاها دارای «تعلیق در زمان» استفاده نیز هستند. جایی که استفاده از این فضاها در میان یا قبل یا بعد از زمان برنامه‌ریزی شده برای استفاده‌ای خاص از این فضاها اتفاق می‌افتد: پله‌های بانک دارای تفاوت بسیاری از نحوه استفاده در ساعات مختلف است، در حالی که در ساعات کاری بانک مردم از نشستن و حتی از ایستادن بر سر راه مردم اجتناب می‌کنند، با پایان ساعات کاری بانک، پله‌های ورودی آن به محلی برای تجمع و مکث و وقوع رفتارهای مدت‌دار تبدیل شده است.^{۷۲}

هرکدام از این حالت‌ها ابزار قدرتمندی در تغییر کاراکتر طراحی شده برای این فضاها هستند. حالت «وقت استراحت»^{۷۵} به این فضاها سرزندگی بیشتری داده، سبب ایجاد رفتارهای اجتماعی غیر منتظره و بدون برنامه‌ریزی می‌شود:

حضور صاحبان مشاغل در زمان‌های استراحت و گفتگوی آن‌ها با دیگر افراد در بسیاری از این نقاط بخصوص در ورودی مرکز خرید قابل مشاهده است.^{۷۶}

برخی از این فضاها از قبیل ورودی مرکز خرید دچار بلاتکلیفی مدیریتی هستند که در مرز میان قوانین کنترل و دسترسی قرار می‌گیرد. این حالت فرصت جدیدی برای استفاده از فضا ایجاد می‌کند. این فضا در میان دو قلمرو همگانی و خصوصی با دو مکانیزم کنترلی متفاوت قرار گرفته است و

اقلیمی و جای نشستن می‌شود، یکی از مقاصد اصلی در انتخاب فضا برای فعالیت‌های ایستا است که خود مولد معاشرت‌پذیری در فضاهای شهری است. مردم در فضاهای همگانی به دنبال جایی برای مکث و فعالیت‌های مدت‌دار خود هستند. با توجه به نیازهای جسمی انسان، استفاده‌کنندگان از این فضاها، در صورت مکث طولانی در یک فضا، تمایل به نشستن و یا تکیه دادن برای جلوگیری از خستگی و ادامه فعالیت خود دارند:

ایستگاه اتوبوس هم صندلی برای نشستن دارد و هم سایبان برای باد و آفتاب، ما در زمستان‌ها بیشتر در این ایستگاه که آفتابگیر است می‌نشینیم و در تابستان‌ها ایستگاه مقابل چون زمان بیشتری در سایه است.^{۷۳}

در بخش اجتماعی این مضمون یافتن «فرصتی برای معاشرت» مطرح شده است. این فرصت به دلیل حضور انسان‌هایی با تمایل بیشتر برای معاشرت ایجاد شده است:

من وقتی میرم بیرون قدم بزنم هر کجا که چند نفر سالمند نشسته باشند من هم می‌نشینم، استراحت می‌کنم و با دیگران صحبت می‌کنم. ما سالمندها همیشه حرف مشترک برای گفتن برای همدیگر داریم، حتی اگر اولین بار باشد که همدیگر را می‌بینیم.^{۷۳}

یافتن وجه مشترک با دیگران یکی از اتفاقات پیش‌بینی‌نشده است که مردم به طور ناخواسته به دنبال آن هستند. وجود یک عامل محرک و پیونددهنده در فضا، مانند یک دکّه روزنامه و یا داشتن حیوانات خانگی به منزله وجه مشترک بین دونفر آشکار می‌شود.

– **تعلیق هنجاری:** این حالت در قرارگاه‌های موجود در ورودی‌های مرکز خرید و بانک‌ها، خارج از برنامه‌ریزی‌ها، الگوها، و هنجارهای پیش‌بینی‌شده، ایجاد شده است. در مورد نحوه استفاده از فضا، رفتارهایی اتفاق می‌افتد که با سرشت استفاده از این فضاها متفاوت است. فضاهای معاشرت‌پذیری که در این قرارگاه‌ها ایجاد

۷۲. مصاحبه گروهی دوم- ایستگاه

اتوبوس

۷۳. مصاحبه فردی سوم

۷۴. مشاهده‌نامه

75. Time Out

۷۶. مشاهده‌نامه

ت ۸. مضمون تعلیق هنجاری، تدوین: ف. دوستی.

تعلیق هنجاری	انعطاف‌پذیری فضایی	فرم نامشخص
	تعلیق در زمان	تنوع عملکرد
		سازگاری
تعلیق در زمان	تغییر استفاده با تغییر زمان	
	وقت استراحت در مشاغل	

قوانین رفتاری و هنجاری در آن کمرنگ می‌شود:

ورودی مرکز خرید دارای محدودیت‌های کمتری نسبت به داخل آن است این محدودیت‌ها از قبیل ممانعت از خوردن، حمل حیوانات، سیگار کشیدن است.^{۷۷}

– **راهبرد خلاقانه:** مردم در این فضاها از راهبردهایی خلاقانه برای تأمین نیازهای خود استفاده می‌کنند. این راهبردها در دو مضمون فرعی دسته‌بندی شده است: «بهره‌برداری از امکانات» به واسطه آشکارسازی امکانات موجود، تصرف فضا، و در برخی از موارد مداخلاتی که خود استفادکنندگان مبتکرانه به آن می‌پردازند:

پیاده‌روهای گیشا نسبت به خیلی از خیابان‌های شهر عرض زیادی دارد و می‌توان مبلمان مناسبی در جلوی بعضی از مغازه‌ها قرار داد، ما حاضریم خود هزینه آن را بپردازیم، این طوری هم برای ما و هم برای شهرداری سودمند است. این گل‌ها رو خودمان در باغچه پیاده‌رو کاشته‌ایم و ازش مراقبت می‌کنیم، خیلی وقت‌ها شهرداری اجازه نداده و میاد جریمه می‌کنه ولی ما کار خودمون رو انجام می‌دیدم چون این طوری محیط بهتری داریم.^{۷۸}

مضمون فرعی دوم «مقابله با محدودیت‌ها» است، مردم در این فضاها برای مواجهه و چانه‌زنی با قوانین و هنجارهای بازدارنده یا با استمرار در نحوه استفاده از فضاها در خواسته خود پا می‌فشارند و یا با پنهان کاری و استتار سعی می‌کنند به مقابله با این هنجارها بپردازند:

راهبرد خلاقانه	بهره‌برداری از امکانات	آشکارسازی امکانات
		تصرف فضا
	مقابله با محدودیت‌ها	استمرار در استفاده
		استتار
		مداخله

شهرداری یک نیمکت جهت نشستن برای ما در نظر نگرفته است، تازه آنچه ما خود اقدام به ساخت کردیم را نیز خراب کرده است و با زدن میله مانع نشستن ما می‌شود. نمی‌خواهند ما اینجا بنشینیم، نمی‌دانیم چرا؛ ولی ما هنوز همین‌جا می‌نشینیم حتی اگر فضای مناسبی برای ما وجود نداشته باشد.^{۷۹}

– **لذت تعامل با دیگران:** بخش مهمی از حس لذت در فضاهای همگانی مربوط به جمعیت حاضر در این فضاها است که از نیاز به تعاملات انسانی سرچشمه می‌گیرد. داده‌های موجود بیانگر وجود سه دسته اصلی با عنوان مضمون‌های فرعی است. لذت از تنهایی به واسطه کاهش توجه دیگران برای حضور انسان‌های مختلف و حفظ حریم خصوصی افراد، که در این حالت مورد احترام دیگران هستند، اتفاق می‌افتد:

معمولاً میام اینجا، می‌نشینم و مردم را تماشا می‌کنم، کسی هم کاری به کارم نداره، برای کسی عجیب نیست که اینجا تنها نشستم، خلوت خودم رو دارم و در عین حال بین مردم و در محله هستم و احساس تنهایی نمی‌کنم. حریم شخصی برای من اهمیت دارد و دوست ندارم کسی مزاحم من شود.^{۸۰}

«در صحنه بودن» که شامل دو نقش متمایز مردم در این فضاها است از یک سو، شامل یکی از لذت‌بخش‌ترین حالاتی که حاصل تعامل مردم با یکدیگر، یعنی «تماشای مردم»، است که به صورت فردی و یا گروهی انجام می‌گیرد و به مانند تماشای تئاتر جذاب یا یک فیلم مورد علاقه لذت‌بخش است،

لذت تعامل با دیگران	لذت از تنهایی	کاهش توجه
		احترام به حریم خصوصی
لذت تعامل با دیگران	در صحنه بودن	تماشای مردم
		دیده شدن
لذت تعامل با دیگران	معاشرت فعال	دوستانه بودن محیط
		معاشرت با غریبه‌ها

۷۷. مشاهده‌نامه
 ۷۸. مصاحبه گروهی چهارم- لبه خیابان.
 ۷۹. مصاحبه گروهی- ایستگاه اتوبوس.
 ۸۰. مصاحبه فردی- جداره خیابان.

ت ۹ (راست). مضمون راهبرد خلاقانه، تدوین: ف. دوستی.
 ت ۱۰ (چپ). مضمون لذت تعامل با دیگران، تدوین: ف. دوستی.

از سوی دیگر، در کنار تماشای مردم، داده‌ها معرف زیرمضمون مهم دیگری با عنوان «دیده شدن» است. بسیاری در هنگام حضور در فضاهای شهری به اصطلاح اعلام حضور می‌کنند و از دیده شدن لذت می‌برند. مضمون‌های فرعی یادشده در این بخش بیشتر فردی هستند؛ ولی مضمون فرعی «معاشرت فعال» شامل تعاملات گفتاری در جمع‌های دو، سه و حتی گروه‌های بزرگ‌تر است. در این فضاها، به دلیل دوستانه بودن محیط و یا معاشرت با غریبه‌ها، تعداد زیادی از تعاملات زودگذر تا تعاملات پایدار اتفاق می‌افتد.

۶.۲. بررسی یافته‌ها

مضامین به‌دست‌آمده بیانگر چگونگی شکل‌گیری فضاهای معاشرت‌پذیر در قرارگاه‌های مورد نظر (لبه خیابان، ایستگاه‌های اتوبوس، و ورودی‌های مرکز خرید و بانک) است و ضمن آشکارسازی ویژگی‌های تأثیرگذار بر این فضاها به بسط تجربه مردم برای تولید این فضاها منجر می‌شود. پنج مضمون اصلی به‌دست‌آمده شامل حس در مرکز بودن، جستجوی محیط، تعلیق در هنجارها، راهبردهای خلاقانه، و لذت تعامل با دیگران هستند و هریک زیرمضمون‌ها و مضمون‌های فرعی دارند که با مفاهیم اصلی موجود در ادبیات مطرح‌شده مرتبط است. مضمون «حس مرکز محله» اهمیت بالایی در آشکارسازی نقش خیابان اصلی محله به مثابه قرارگاهی برای معاشرت و تعامل با دیگران دارد. این مضمون ضمن آنکه تأییدی است بر یافته‌های پژوهش میدانی مهتا^{۸۱} در خصوص رفتار اجتماعی مردم در خیابان، در آن بر تشخیص نقش خیابان‌های اصلی در محلات با فرم طراحی‌شده و خیابان‌کشی‌های منظم نیز تأکید شده است. اهمیت خیابان‌های اصلی محله در تغییر معنای فرم مرکز محله در تفسیر سنتی آن، با توجه به یافته‌های این بخش، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. در مضمون «تعلیق هنجاری» به بیان یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم در مورد هویت فضاهای

همگانی پرداخته شده و با پررنگ کردن اهمیت کیفیت‌هایی نظیر انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری در فضاهای همگانی، به نقش بینابینی این فضاها اشاره می‌شود. استیونس با معرفی «فضاهای شل‌شده» به «حالات میانجی» در این فضاها تأکید می‌کند^{۸۲}. در مضامین فرعی به‌دست‌آمده در این زمینه به تفسیر بیشتر این حالت در بستر مورد نظر پرداخته شده است. توجه به مفهوم بینابینی بودن در مطالعات مرتبط با آستانه‌ها و ورودی‌ها در فضاهای همگانی در راستای پرورش حس «آزادی مردم در انتخاب» از اهمیت بیشتری برخوردار است. مضمون «جستجو در فضا» بیشتر در مورد تأمین نیازهای افراد در فضاهای شهری است. با توجه به اهمیت وجود قرارگاه‌های قابل نشستن در فضای شهری، کار^{۸۳} آن را بخشی از «راحتی فیزیکی» می‌داند و وجود آسایش اقلیمی در کنار آن را سبب ایجاد «راحتی روانی» به مثابه یکی از نیازهای اساسی انسان قلمداد می‌کند. جستجو در فضا در بعد اجتماعی و انسانی آن نیز اتفاق می‌افتد و یافتن فرصتی برای معاشرت با دیگران دارای اشتراک مفهومی با تعبیر «انسان‌های باز»^{۸۴} لوفلند است^{۸۵}. حضور انسان‌های معاشرت‌پذیر در فضاهای همگانی فرصت معاشرت بیشتری برای مردم فراهم می‌کند. در مجموع ویژگی‌های فضایی و اجتماعی ذکرشده در این مضمون فرصت «کشف فضاهای معاشرت‌پذیر» را افزایش می‌دهد. در مورد مضمون «راهبردهای خلاقانه» و زیرمضمون‌های آن می‌توان در راستای مفاهیم و نظریات مطرح‌شده در زمینه «فرایند تولید فضا» در ادبیات زندگی روزمره به هم‌گرایی مفهومی رسید؛ تقابل مفهوم «نظم دور» که در آن تحمیل نظریات تصمیم‌گیران شهری با «نظم نزدیک»، شامل فرایندها و عملکردهای جمعی مردم برای تعدیل این قوانین و مقاومت در برابر آن و حق تغییر فضاهای شهری است، مورد بحث قرار می‌گیرد. این اقدامات سبب ایجاد فضاهای بازنمودشده می‌گردد، جایی که تجربه زیسته مردم سبب شکل‌گیری فضاهای اجتماعی شهری می‌شود. این

۸۱. نک:

Mehta, ibid.

82. K.A. Frank, & Q. Stevens. *Loose Space Possibility and Diversity in Urban Life*, p. 73.

83. S. Carr, et al, *Public Spaces*. p. 154.

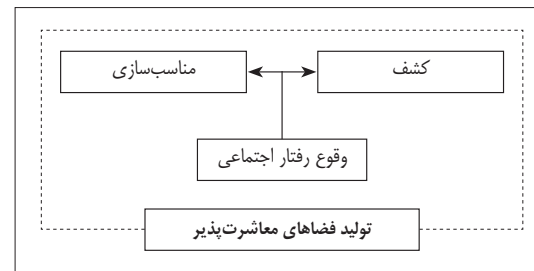
84. Open Persons

85. Lofland, ibid, p. 45.

تفسیرها در فهم چگونگی شکل‌گیری فضاهای معاشرت‌پذیر در خیابان کمک می‌کنند و می‌توان این اقدامات خلاقانه را در مفهوم عبارت «مناسب‌سازی فضاهای شهری» جای داد. در مضمون «لذت تعامل با دیگران» به بعد اجتماعی فضاهای معاشرت‌پذیر پرداخته شده است. زیرمضمون‌های به‌دست‌آمده بیانگر دسته‌بندی‌هایی از روابط اجتماعی و بروز حالاتی است که لوفلند^{۸۶} به تفسیر آن پرداخته و مستندات موجود در این پژوهش در این خصوص بیانگر اهمیت «رفتارهای اجتماعی غیر رسمی» است که در این فضاها به‌شدت قابل مشاهده است. رفتارهای اجتماعی غیر فعال و زودگذر خود بخش مهمی از این روابط را تشکیل می‌دهند و در صورت تداوم می‌توانند به رفتارهای اجتماعی پایدار تبدیل شوند.

۶.۳. شکل‌گیری فضاهای معاشرت‌پذیر

در بررسی رابطه میان مضامین فرعی و اصلی با یکدیگر و تفاسیر آن‌ها در این پژوهش مردم‌نگارانه، دو مقوله اصلی در راستای چگونگی تولید فضاهای معاشرت‌پذیر در زندگی روزمره مردم به دست آمده است. مضمون‌های حس مرکز محله بودن و جستجو در محیط، مقوله «کشف» فضاهای شهری را نشان می‌دهند. مقوله‌ای که با حضور اولیه مردم در فضاهای شهری پدیدار می‌شود و مربوط به درک افراد از فرصت‌های موجود در محیط پیرامون خود است. مقوله دوم تحت عنوان «مناسب‌سازی» از ترکیب مضمون‌های تعلیق هنجاری و راهبردهای خلاقانه



86. Ibid.

ت ۱۱. سه مقوله اصلی مرتبط با تولید فضاهای معاشرت‌پذیر، تدوین: ف. دوستی.

متبلور می‌شود و شامل اقداماتی است که مردم در راستای مقاومت و تغییر در فضا انجام می‌دهند. مقوله سوم «وقوع رفتار اجتماعی» شامل وقوع تنوعی از رفتارها و روابط اجتماعی در حال تکثیر و تغییر است و با عنوان ماهیت اجتماعی فضاهای معاشرت‌پذیر مطرح می‌شود (ت ۱۱).

۷. نتیجه‌گیری

محله گیشا واقع در بافت میانی شهر تهران در موضوع اهمیت معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی مورد پژوهش قرار گرفته است و نقش خیابان اصلی آن به مثابه بستری برای تولید فضاهای معاشرت‌پذیر توسط مردم متمایز گشته است. فضاهای معاشرت‌پذیر تولیدشده از سوی مردم در قرارگاه‌های نامتعارفی از فضاهای همگانی شناسایی شده است. لبه خیابان فضاهای آستانه‌ای مانند ورودی‌های مرکز خرید یا ساختمان‌های همگانی و برخی از تجهیزات شهری از جمله ایستگاه‌های اتوبوس در زمره قرارگاه‌های مورد استفاده مردم برای معاشرت با یکدیگر هستند. در این پژوهش با تفسیر روابط میان مضامین به‌دست‌آمده، دیالکتیکی میان کشف و مناسب‌سازی فضا توسط مردم و وقوع مجموعه‌ای از تعاملات اجتماعی رسمی و غیر رسمی در توصیف نحوه تولید این فضاها به تصویر کشیده می‌شود. در مجموع، با داده‌های به‌دست آمده می‌توان با معرفی این قرارگاه‌ها به توصیف ویژگی‌های فضایی آن از قبیل دسترسی مناسب، هم‌جواری با امکانات، امنیت، استطاعت محیطی که مربوط به کارکردهای محیط مصنوع است، در کنار تسهیلات اجتماعی موجود در این فضاها از قبیل حضور انسان‌های معاشرتی و مثلث‌سازی توسط عامل محرک پرداخت. در کنار ویژگی‌های اجتماعی و فضایی موجود در فضاهای شهری، نقش مداخله‌گرانه افراد در فضاهای شهری و تجربه آن‌ها در خصوص مقاومت در برابر هنجارها و تغییر فضاهای شهری سبب پررنگ شدن نقش مدیریت شهری در این فضاها می‌شود، که می‌تواند

کند. از دیدگاه روش‌شناختی نیز مردم‌نگاری، به مثابه یکی از روش‌های مرسوم پژوهش‌های کیفی در مطالعات جامعه‌شناسی، به منظور شناخت تجربه مردم در قلمروهای همگانی با عنوان یکی از روش‌های نوظهور در مباحث طراحی شهری، معرفی و اجرا شده است. این نوآوری می‌تواند دریچه‌ای بر افزایش استفاده از این روش در مطالعات طراحی شهری آتی در ایران باشد. برای تمایز و تأکید بیشتر بر یافته‌های به‌دست‌آمده نیاز به پژوهش‌های بیشتری در خصوص فضاهای معاشرت‌پذیر در بستر فضایی و اجتماعی متفاوت و با تمرکز بیشتر بر فرهنگ‌های مختلف مردم است.

با اهرم‌های کنترل و نگهداری به جای نقش بازدارنده به یک تسهیلگر در امر افزایش پاسخ‌دهی به نیازهای مردم تبدیل شود و سبب تجلی حق مشارکت مردم در مراحل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در فرایند توسعه شهری گردد. در این پژوهش با معرفی و دسته‌بندی انواع مختلفی از تعاملات اجتماعی و پرداختن به زندگی اجتماعی سعی بر نزدیکی بیش از پیش دانش جامعه‌شناسی خرد به طراحی شهری شده و با خدمت نظری به دانش موجود در این زمینه به معرفی ابعاد جدیدی از تعاملات اجتماعی پرداخته شده است تا توجه طراحان شهری را به اهمیت تعاملات اجتماعی غیر فعال در فضاهای شهری جلب

منابع و مأخذ

- گلرخ، شمین. *قرارگاه رفتاری واحدی برای تحلیل محیط، تهران، نشر آرمانشهر، ۱۳۹۱.*
- Bobic, Milos. *Between the Edges: Street-building Transition as Urbanity Interface*. Bussum: Thoth publishers, 2004.
- Carr, Stephen, et al. *Public Spaces*, CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS, 1992.
- Carmona, Matthew. "The Place-Shaping Continuum: A Theory of Urban Design Process", in *Journal of Urban Design*, Vol. 19, No.1 (2014), pp. 2-36.
- _____. "Re-Theorising Contemporary Public Space: a New Narrative and a New Normative", in *Journal of Urbanism International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 8(4) (December 2014), pp. 1-33.
- Frank, Karen A. & Quentin Stevens. *Loose Space Possibility and Diversity in Urban Life*, NY: ROUTLDGE, 2013.
- Gehl, Jan. *Life between Buildings: Using Public Space*, Copenhagen: Danish Architectural Press, 1971.
- Harvey, David. *Rebel Cities: from the Right to the City to the Urban Revolution*, London: Vesto books, 2012.
- گلرخ، شهر، فضا و زندگی روزمره، تهران: انتشارات تپسا، ۱۳۹۳.
- کاطمی، عباس. *پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی، تهران: نشر جاوید، ۱۳۹۴.*
- Goffman, Erving. *Behavior in Public Places: Notes on the Social Organization of Gatherings*, New York: free press, 1963.
- Jacobs, Jane. *The Death and Life of Great American Cities*, New York: Random House, 1961.
- Knox, L. Paul. "Creating Ordinary Places: Slow Cities in a Fast World", in *Journal of Urban Design*, No.10 (2005), pp. 1-11.
- Lefebvre, Henry & Eleanora Kofman & Elizabeth Lebas. *Writings on Cities*, London: Blackwell, 1996.
- Lefebvre, Henri. *The Production of Space*, translated by David Nicholson, Oxford: Smith Blackwell Publishers, 1991.
- Lofland, Lyn. H. *The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory*, New York: Aldine De Gruyter, 1998.
- Low, Setha. *Spatializing Culture: The Ethnography of Space and Place*, New York: Taylor & Francis, 2016.

- Lynch, Kevin. *The Image of the City*, Cambridge: MIT press, 1960.
- Matan, Annie & Peter Newman. *People Cities: The Life and Legacy of Jan Gehl*, Washington: Island Press: 2016.
- Mausner, Claudia. "Book Review: The Street: A Quintessential Social Public Space", in *Online Environmental & Architectural Phenomenology Newsletter*, Manhattan: Kansas state university, 2015.
- Mehta, Vikas. *The Street: A Quintessential Social Public Space*, New York: Routledge, 2014.
- Merrifield, Andy. *Henri Lefebvre: A Critical Introduction*, New York: Taylor & Francis, 2006.
- Milgram, Richard. "LUCIEN KROLL Design, Difference, Everyday Life", in *SPACE, DIFFERENCE, EVERYDAY LIFE*, Goonewardena, K.Kipfer, S.Milgrom, R.Schmid, C. Taylor & Francis (2008), pp. 264-283.
- Oldenburg, Ray. *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Bookstores, Bars, Hair Salons, and Other Hangouts at the Heart of a Community*, New York: Marlowe, 1997.
- Purcell, Mark. "POSSIBLE WORLDS: HENRI LEFEBVRE AND THE RIGHT TO THE CITY", in *Journal of Urban Affairs*, No. 36 (2014), pp 141-151.
- Shields, Rob. *Lefebvre, Love, and Struggle: Spatial Dialectics*, London: Routledge, 1999.
- _____. *Places on the Margin: Alternative Geographies of Modernity*, Routledge, 1991.
- Simmel, Georg. "The Metropolis and Mental Life", in David P. Frisby & Mike Featherstone (eds.), *Simmel on Culture: Selected Writings*, London: SAGE, 1903.
- South worth, Michael, et al. "People in the Design of Urban Places, Guest Editorial", in *Journal of Urban Design*, No. 1 (2012), pp. 461-465.
- Stevens, Quentin. *The Ludic City: Exploring the Potential of Public Spaces*, Routledge, NY: 2007.
- _____. "The Shape of Urban Experience: A Reevaluation of Lynch's five Elements", in *Environment and Planning B: Planning and Design*, No. 33 (2006), pp. 803-823.
- Varna, George & Steve Tiesdell. "Assessing the Publicness of Public Space: The Star Model of Publicness", in *Journal of Urban Design*, No.15 (2010), pp. 575-598.
- Whyte, William H. *City: Rediscovering the Center*, New York: Doubleday, 1988.
- Wicker, Allan. "Perspectives on Behavior settings: With Illustration From Alison Ethnography of Japanese Hostess Club", in *Environment and Behavior (ENVIRON BEHAV)*, 44(4) (July 2012), pp. 474-492.
- Wirth, Louis. "Urbanism as a Way of Life", in *American Journal of Sociology*, No. 44 (1938), pp. 1-24.